



## ■ مصطفی عقاد چطور آدمی بود؟ چه چیزی در او دیده بودید؟

در اولین برخورد با آقای عقاد، احساس کردم یک فیلمساز فعال نیست، چنان که نبود تهیه‌کننده سری فیلمهای هالوین فیلمهای رده ب هالیوودی بود و تا آخر هم همان‌طور ماند دنبال پروژه اساسی می‌گشت که بتواند کار کند، ولی بیشتر آنچه که مرا تحت تأثیر قرار داد، ارتباطش بود. یعنی ارتباطی برقرار می‌کرد و با ادبیاتی صحبت می‌کرد، خیلی متفاوت با آنچه در تصورم بود. یعنی کسی که فوق‌العاده آرام و متین بود و نوع نگاهش از آرامش بهره می‌گرفت. نگاهی که به جهان داشت، به‌خصوص درباره ایران، خیلی خوب موقعیت ایران را می‌فهمید. فکر می‌کنم می‌شود از این جهت روی هوش هنری‌اش صحنه گذاشته. از اینکه می‌دانست موقعیت انقلاب اسلامی چیست. بدون اینکه بخواهم وارد فضای شعاری شوم، موقعیت این اتفاق را متوجه شده بود. کمتر دیده‌ام. در کارگردانهای آمریکایی که تا به حال ندیده‌ام. در کارگردانهای مسلمان عرب هم شبیه‌اش را ندیده‌ام. آنچه که به وجود عقاد ابهت می‌داد، این بود که دو کار بزرگ در پرونده‌اش داشت و همیشه هر چه می‌گفت، این دو کار در نظر می‌آمد. به آن حرفهای کنونی‌اش بعد می‌داد. به طور کلی تحت تأثیر روابط عمومی و فهم کلی‌اش و نگاه کلی‌اش به مسائل

جهان و به‌خصوص موقعیت ایران در جهان اسلام قرار گرفته بودم. فهمش خیلی جذاب بود و دوست داشت روی پروژه دیگری کار کند - مثل عمر مختار - و بتواند روی جهان اسلام تأثیر بگذارد. پروژه صلاح‌الدین در نظرش بود و تا آخر هم ول نکرد و می‌خواست این فیلم را بسازد.

**بهبانه ارتباط و علت آن بین شما و مصطفی عقاد چه بود؟**

در حوزه هنری بودم و در زیر مجموعه آقای سید مرتضی آوینی کار می‌کردم و تا آن روز خنجر و شقایق و ساعت ۲۵ را ساخته بودم. هر دو پروژه زیر نظر آقای آوینی ساخته شد و همکاری و همفکری عملی ایشان را به همراه داشت، به‌خصوص خنجر و شقایق. قرار بود عقاد به دعوت حوزه هنری به ایران بیاید در آن زمان آقای زم از من خواست از آقای عقاد میهمان‌داری کنم. رفتیم فرودگاه از همان جا از او استقبال کردم و با هم به هتل رفتیم و آشنایی‌مان از همان جا شروع شد. پرسید کارت چیست؟ گفتم من مستندسازم. گفت بهترین نوع فیلمسازی، مستندسازی است. بعدها فهمیدم شروع کارش در مستند بوده و توفیقاتی که در مستندسازی کسب کرده بود باعث شد به فکر ساخت فیلم دیگری بیفتد که بتواند اسلام را معرفی کند. روحیه مستند در او قوی بود و در آخر فیلم «الرساله» چند دقیقه تصاویر مستند جهان اسلام را نشان می‌دهد. زمینه‌آشنایی ما همین بود.

**ظاهراً این ارتباط تا همین اواخر هم**

## ادامه داشت. نه؟

چند وقت پیش به لبنان رفته بودم، با ایشان تماس گرفتم و صحبت کردم. دلم می‌خواست کاری را که دارم انجام می‌دهم (بشارت منجی)، وقتی تمام شد نسخه نهایی را به ایشان نشان بدهم و دربارش با ایشان مشورت کنم که دیگر این فرصت پیش نیامد.

آخرین سفری که ایشان به ایران آمد، برای ساخت مستند دیگری در آلمان بودم که ایشان با خانه ما تماس گرفته بود و نبودم و نشد او را ببینم. ارتباط عاطفی با او فرصت خوبی برای من بود و خیلی احساس راحتی می‌کردم. کسی بود که از بالا به دیگران نگاه نمی‌کرد. احساس می‌کردم آدم خیلی منطقی است که می‌شود از او خیلی چیزها یاد گرفت و او هم دوست داشت این کار را بکند. یک بار به من گفت درباره شیخ شامل کار کن و یک کتاب برایم فرستاد به اسم شمشیرهای بهشتی که یک رمان است. گفتم کمک می‌کنم فیلم‌نامه‌اش را بنویسم و کمک می‌کنم این کار را بسازی. شیخ شامل، قهرمان اهل داغستان است که هفتاد سال با روسیه تزاری جنگید و از قهرمانهای بزرگ جهان اسلام است.

ذهنش درباره همین چیزها کار می‌کرد اگر می‌دید یک کار را خودش نمی‌تواند انجام دهد یا نمی‌رسد، به‌راحتی آن را به کس دیگری پیشنهاد می‌کرد. این وسعت فکر را داشت که می‌خواست آن کار انجام

# اگر او پی زنده بود شمشیر می کشید

## گفت‌وگویی با نادر طالب‌زاده

نادر طالب‌زاده را بسیاری به صراحتش می‌شناسند و به بی‌تعارف سخن گفتنش، نوع نگاه او به سینما و تلویزیون، به مثابه رسانه‌هایی جهانی، او را از مدعیان این حوزه‌ها جدا می‌کند و... «بشارت منجی» اولین کار داستانی او در هیئت یک فیلم بلند سینمایی و یک مجموعه تلویزیونی در حال طی کردن آخرین مراحل ساخت است. «خنجر و شقایق»، «ساعت ۲۵» و کارهای بسیار دیگری که در حوزه مستند تلویزیونی ساخته، تنها بخشی از سابقه فرهنگی او در کنار نقد بسیاری از فیلمهای سینمایی جهان است.

شود هیچ کس دیگری در جهان اسلام نیست که در آن سطح، با دست‌رسی به سیستم اداری هالیوود بتواند پروژه‌هایی چنین انجام دهد و از این جهت منحصر به فرد بود.

**بعد از سالها که از ساخت «الرساله» (محمد رسول‌الله(ص)) و عمر مختار می‌گذرد چرا هیچ نمونه دیگری از این دست ساخته نشد. یا خود عقاد یا هر کارگردان دیگری، چرا دیگر از این کارها نساخته‌اند؟**

نمی‌دانم. حتی کارگردان ایرانی هم در هالیوود هست. این کار یک نگاه خاص می‌خواهد که هر دو فرهنگ را بشناسد. فرهنگ اسلام در غرب را بشناسد و دلش برای معرفی آن بتپد که عقاد این را داشت. عقاد از نوزده سالگی در آمریکا بود. با فرهنگ آمریکایی هم آشنا بود و در همین حرفه کار می‌کرد و با این رسانه در بخش مستند آشنا بود. کار داستانی دیگری هم قبل از محمد رسول‌الله(ص) نساخته بود. واقعا می‌خواست این قصه را وروی یک مستند تعریف کند. به نظرم برمی‌گردد به توانایی آن آدم که دو فرهنگ را بشناسد و برای ساخت چنین فیلمی اقدام کند.

خوشبختانه توانست سرمایه‌ای جمع کند. یعنی از آنجا که در بخشهای حرفه‌ای تلویزیون کار کرده بود کار مشهورش که باعث موفقیت او شد، ساخت یک مجموعه به نام جهان قیصر بود. چون خودش اهل شامات بود و رد پای امپراتوری روم در آنجا خیلی قوی بود. در مناطقی مثل بعلبک و در سوریه هم آثار قیصر و امپراتوری روم کم نیست. در صور و صیدا و... مجموعه‌ای که ساخت و سر و صدا کرد و وابسته به فهم او از این منطقه بود.

ارتباطات را در رسانه‌های آن زمان خوب می‌شناخت، بعد سراغ نوشتن یک فیلم‌نامه خوب در موضوع پیامبر(ص) رفت که هم مورد تأیید علمای مصر باشد و هم شیعیان در لبنان و وقتی تأیید علمای شیعه

لبنان را داشته باشد، نظر علمای ایران را هم با خود دارد. بعد دنبال جذب سرمایه رفت. یک دوره هم برای آقای سن پتین پارت دستیاری کرده بود و بنابراین در ساختار هم مشکل نداشت. بنابراین مراحل را خوب طی کرد و بیزینس هالیوود را خوب می‌شناخت و بقیه اتفاقی که افتاد، تاریخ است و به نظرم هالیوود را متعجب کرد و کسی از او چنین توقعی نداشت.

فیلم او خالص و مخلص برای تبلیغ اسلام است. ما امروز بعد از بیست و شش هفت سال وقتی می‌خواهیم یک کار رسانه‌ای بسازیم، عیار افتادن به دام تبلیغات را می‌شناسیم و می‌دانیم یک کار چطور رنگ و بوی تبلیغاتی به خود می‌گیرد. ولی عقاد یک کار کاملا تبلیغاتی ساخت که بوی تبلیغات هم نمی‌داد و قصه بسیار جذابی داشت. کار بعدی او هم که درباره یک انقلابی کنونی در جهان اسلام است. او سیستم هالیوود را خوب می‌شناخت و توانست این کار را بکند.

**چرا کسی دیگری این کار را نکرد؟**  
هیچ کس مثل او این قدر انگیزه نداشت.  
**چرا حتی به طور مشترک این کار ساخته نشد؟ مثلاً بین کارگردانهای ایرانی چرا کار مشترکی ساخته نشد با همکاری آقای نادر طالب‌زاده که شناختش از غرب قابل توجه است با مثلاً ابراهیم حاتمی‌کیا که فیلمهای سینمایی خوبی ساخته و دیگران. اما انگار اصلا کسی حتی به این سمت حرکت هم نکرده است. این طور نیست؟**

بله، همین طور است. من هم تا به حال ندیده‌ام. زیاد در این باره صحبت شده، ولی سقف پرواز خیلی از این حرکتها، نسبت به خلا موجود دنیا، خیلی کوتاه بوده است. مثلاً در ارتباط با عقاد احساس کردم خیلی می‌فهمد. ارتباط خیلی خوب او با جهان و همه اجزای سینما خیلی به او کمک می‌کرد. هر فیلمی که

می‌سازید و عرضه می‌کنید، وقتی موجی می‌سازد، مورد تأیید قرار می‌گیرد یا فکر عده‌ای را عوض می‌کند، می‌فهمید که یک اتفاق افتاده است. عقاد در این زمینه تا به حال دومی نداشته است. ما تا به حال فیلمهای زیادی ساخته‌ایم. حتی درباره مقدسین فیلم ساخته‌ایم، ولی فیلمهایمان آن طرف مرزها نرفته است. فیلمهای دیگرمان به جشنواره‌ها رفته‌اند، ولی این فیلمها نه. عقاد کاملاً مستقیم درباره انبیا فیلم ساخته است. ما هم فیلمهای زیادی ساخته‌ایم که در ۲۰ سال اخیر به جشنواره‌ها و سینماهای زیادی رفته، ولی به خاطر دام جشنواره، خیلی از فیلم‌سازهای مسلمان ما هم در همان جشنواره‌ها، در کن و سیاستین و نانت و مونترال و تورنتو و از این دست گیر کرده‌اند. یعنی این تور خوب کار کرده و اگر کارگردان ما مسلمان و متعهد هم بوده و به اسلام و امام زمان(عج) هم اعتقاد داشته، خیلی خوب مهارش کرده‌اند.

بقیه هم شماری ساخته‌اند، یا ضعیف و... هر کس از این فیلمها ساخت، حداکثر توانست تا سینماهای بیروت برود. اگر توانستیم یک فیلم درست کنیم که در لس‌آنجلس مورد بحث قرار بگیرد، یا مثلاً در نیویورک مطرح شد و مردم سعی کردند VCD اش را بخرند و ببینند چه چیزی است، یا اینکه لااقل مورد تهاجم قرار بگیرد. کما اینکه چند کار تلویزیونی شبکه المنار لبنان مورد اعتراض گسترده اروپاییها قرار گرفت و حتی آن را از روی ساتلایت برداشتند؛ ما از این کارها هم نکرده‌ایم. بنابراین هم‌ا‌ش به این نگاه برمی‌گردد. تمام کار هم تکنیک نیست. تکنیک کار محمد رسول‌الله(ص) تکنیک خیلی پیشرفته‌ای نیست. ساده است. ساده و معتدل، تمیز ساخته شده با بازیهای خوب. اما این طور نیست که به لحاظ بصری پلان به پلان شگفت‌انگیز باشد. همین که ماندنی است و

اگر سید مرتضی آوینی زنده بود، یک شمشیر اساسی می‌کشید و خیلی از آدمهایی را که ظاهر اسلامی دارند، می‌نواخت بعضی از اینها را می‌شناسم و آدمهای خوبی هم هستند؛ ولی رسانه را نمی‌شناسند، دنیا را درست ندیده‌اند و غرب را نمی‌فهمند، زبان نمی‌دانند و نسبتی با فرهنگ غرب ندارند

آدم از دیدن آن خسته نمی‌شود، بالاتر از شگفت‌انگیز است.

نکته جالب درباره عقاد همان تعادل است. اول یک مصاحبه گفته بود «من یک میسیونر نیستم» در گفت‌وگو با ما که بخشی از آن در سوره زمان آقای آوینی چاپ شد، گفت «من یک میسیونر نیستم».

مصطفی عقاد دنبال فرصتی بود و می‌خواست ببیند چطور می‌تواند برای ساخت «صلاح‌الدین» در ایران کمک بگیرد. ولی خیلی زود فهمید که کسی در ایران برای ساخت چنین فیلمی پول ندارد، فیلمی با ابعاد که او می‌خواست، شاید هم اینجا کسی صراحت این را نداشت که بگوید ما برای این پروژه پول نمی‌دهیم و صلاح‌الدین برای ما اولویت ندارد. به هر حال فرصت خوبی برای عقاد بود که ایران و مردم آن را ببیند. مردم ایران را خیلی دوست داشت. به من گفت نزدیک‌ترین دوستم یک شیعه سوری به اسم حسن است و روحیه‌اش به شیعه نزدیک بود. خیلی جالب حرف می‌زد، از تکلم انگلیسی‌اش خیلی خوشم می‌آمد، ادبیات خیلی خوبی داشت و دوست داشتم با او به هر بهانه‌ای حرف بزنم.

به نظرم شخصیت عمر مختار را شبیه امام خمینی (ره) ساخته، امام را خیلی دوست داشت و قبول داشت. در مصاحبه‌ای که آن سالها با او داشتیم، گفت ورود امام خمینی به ایران، زیباترین ورود در تاریخ بود. ورودی که جهان را عوض کرد، پرهیبت‌ترین ورود بود. The most magnifisent arrival تا به حال چه کسی در مورد امام این طور صحبت کرده؟ «باشکوه‌ترین ورود در تاریخ». با این ورود، همه چیز در جهان عوض شد. وقتی پاپ وارد فلان پایتخت آمریکای جنوبی شود، مردم زیادی هم می‌آیند و... ولی این ورود جهان را عوض نمی‌کند، امام این کار را کرد. بعد از این است که گروهان‌گیری سفارت آمریکا در ایران اتفاق می‌افتد، جنگ ایران و عراق شروع می‌شود، تحریمهای اقتصادی آمریکا علیه ایران و... ساختار اتفاقیهای بزرگ دنیا تغییر می‌کند.

مجاهدین افغانی با سبک و سیاق وهابی پیدا می‌شوند. از سازمان سیا بوده‌جه می‌گیرند و علیه شوروی می‌جنگند، در رقابت با بیداری اسلامی در ایران. همه اینها در رقابت اتفاق می‌افتد. بعد از آغاز

جنگ عراق با ایران است که هم شوروی به عراق کمک می‌کند و هم آمریکا. اولین بار است که هم‌زمان این دو کشور به یک طرف جنگ کمک می‌کنند و بلافاصله بعد از آن جنگ شوروی از هم پاشید.

عقاد این حرفها را خیلی خوب می‌فهمید. بعد از عمر مختار کار بزرگ دیگری نکرد، اما، این دو کارش تا ابد بر دنیا تأثیر گذاشت.

**ما برای معرفی امام به دنیا، حتی دنیای اسلام، تا به حال چه کرده‌ایم؟**

کار زیادی نکرده‌ایم. البته انقلاب اسلامی، خودش را معرفی می‌کند. موضع ایران در دنیا بسیار مهم است امکان ندارد یک کانال خبری را باز کنید و درباره ایستادگی ایران برابر آمریکا چیزی نشنویید. الان کره شمالی با گرفتن امتیازهایی با آمریکا کنار آمده، حتی چین به نفع آمریکا با کره شمالی مذاکره می‌کند چون انقلاب اسلامی حاوی یک فرهنگ، روح و عقیده است که دنیای امروز از آن می‌ترسد. درست است که ما مدیران خوبی نداریم و نتوانسته‌ایم کشور را خوب اداره کنیم و ۲۰ - ۳۰ درصد فقیر داریم. ولی دلیل نمی‌شود عقیده‌مان غلط باشد. باید متوجه باشیم کجای دنیا و تاریخ هستیم و برای حل مشکلات کشور کم نگذاریم. برای این کار تلویزیون نقش اساسی دارد.

**چرا باید دنیا در حوزه رسانه‌هایش با ما دریفتد، چه اهمیتی برایش دارد؟**

به خاطر تشکیل امت اسلامی. امت اسلامی یعنی خود شما. این برای غرب خیلی خطرناک است. به وجود آمدن امت اسلامی، یعنی حزب‌الله. عبارت دیگر حزب‌الله، امت اسلامی است که ما در تاریخ نداشته‌ایم و انقلاب اسلامی این را در دنیا ایجاد کرده است. امام اولین کسی بود که گفت «اسرائیل باید از بین برود». امام تصمیم همه کشورهای جهان برای به رسمیت شناختن اسرائیل را زیر سؤال برد و نامشروع کرد و گفت هر کس اسرائیل را به عنوان کشور شناخته، مرتکب جرم شده است. این کار خیلی شجاعت می‌خواهد. روحیه امام، به همه مسلمانان جهان غرور و شرف و استقلال و اعتماد به نفس داد. کم‌کم همه کسانی که بین خود و این حرفها اشتراکی دیده بودند، به امت اسلامی پیوستند.

آمریکا و غرب از این می‌ترسند و به همین خاطر یک بدل پیدا کرده‌اند و مجاهدت و قیام امام خمینی را جعل کرده‌اند و فعلاً با همان خوش‌اند. اصلاً عبارت بنیادگرایی و فاندانمانتالیسم را به خاطر امام خمینی وضع کردند. حتی ادبیات جدیدی در جهان پدید آمد. این موضوع؛ شیطان را در این دوران تهدید می‌کند و بروز کارهای رسانه‌های شیطانی به خاطر وجود این مسئله است و طبیعی است. وقتی مردم خدایی از سویی بلند می‌شوند، حزب‌الله را تشکیل می‌دهند و امت اسلامی را می‌سازند، حتماً شیطان وارد صحنه می‌شود و در رسانه‌ها از خود دفاع می‌کند.

امتی که یک نفرش به هزار نفر می‌آرزد. از شجاعت و دلیری و آمادگی برای ریخته شدن خوش

برای حفظ حقیقت و اینها یکی - دو نفر نیستند، چندین میلیون، چندین ده میلیون‌اند و این برای شیطان خطرناک است. این خطر برای شیطان رو به رشد است.

**خود شما الان چه می‌کنید؟ چه فیلمی می‌سازید؟**

الان فیلم مسیح را می‌سازم. نسخه نهایی با نسخه‌ای که در جشنواره سال گذشته نمایش داده شد، چقدر فرق می‌کند؟

چون ما دو روایت درباره مسیح داشتیم، دو روایت متفاوت را به طور کامل فیلم‌برداری کردیم. یک روایت را که تلاطم کمتری داشت، اول مونتاژ کردم و صفحه‌های کلیدی دادگاه عیسی را ندادم، فقط تا شام آخر است و بعد تمام می‌شود. آن نسخه‌ای که برای پذیرش در جشنواره دادیم و در سه قسمت جشنواره پذیرفته شد، تا آخر محاکمه بود. ولی به قطع نگاتیو که رسید، احساس کردم این روایت صحیح نیست، کذب است. اینکه یکی از حواریون صالح عیسی به جای او مصلوب می‌شود، همه آن قصه هم بر اساس همان خط بود. بنابراین روایتی را که برای نمایش آن پرهیز داشتم، رسیدم به آنکه همین روایت صحیح است و همین را کار کردیم و الان مشغول مراحل پایانی‌اش هستیم.

**در این نسخه چه اتفاقی می‌افتد؟**

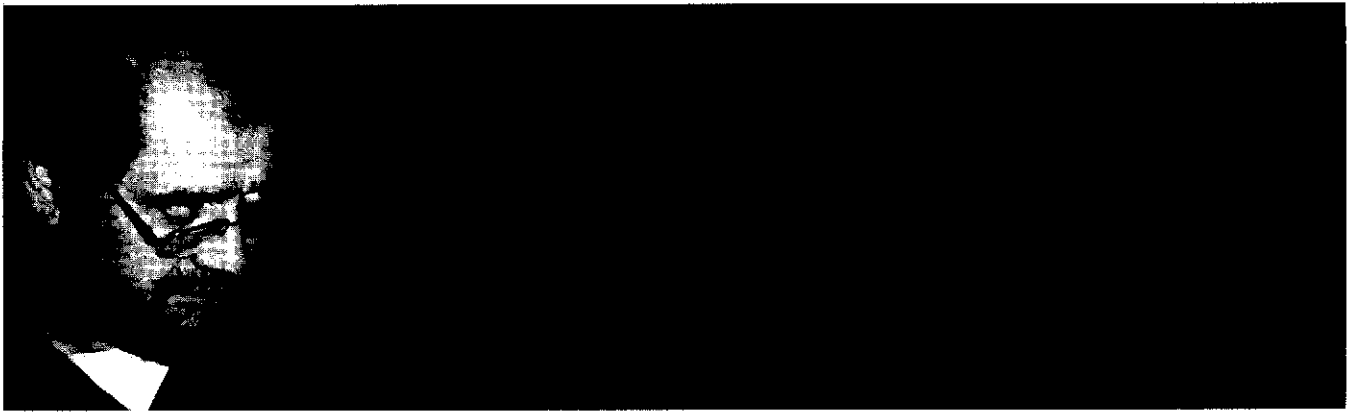
روایت مشهور است. روایت اول، که همه مفسرین قرآن از جمله علامه طباطبایی و بسیاری از دیگران معتقدند کسی که به حضرت مسیح خیانت کرد، به شکل عیسی درآمد و به صلیب کشیده شد.

**هر دو روایت اسلامی است؟**

بله، هر دو روایت اسلامی است. چهار - پنج روایت است که مشهورترین آنها این دو روایت است، هر دو را فیلم‌برداری کرده‌ام. منتها می‌خواستیم بینم آتش انتقاد از کجا می‌آید. مسیحیها ناراحت می‌شوند؟ یهودیها ناراحت می‌شوند؟ چه کسی واکنش نشان می‌دهد. لازم بود تست کنیم و بر اساس نتیجه‌ای که به دست آوردم، سراغ اصل مطلب رفتم.

**پیش‌بینی‌تان درباره استقبال و رویکرد مردم به فیلم «بشارت منجی» که حالا مشغولش هستید، چیست؟ فکر می‌کنید مورد توجه قرار بگیرد؟**

راستش نمی‌دانم. زود است که بخواهم پیش‌بینی کنم. صبر کنید تمام شود، بعد شاید بشود بهتر درباره‌اش حرف زد. مطمئن باشید اگر این فیلم اکران شود و مخاطب نگاه نکند، فیلم بدی ساخته‌ام. زمانی این کار خوب است که اولاً بیرون از مرزهای ما یک دعوا راه بیندازد که بالاخره مسیح پسر خدا هست یا نیست. در این زمینه که ما تقیه‌ای نداریم یا آن قدر خوب باشد که بشود در دنیا لاقلاً درباره بعضی ویژگیهایش حرف زد. اما این هم کافی نیست. چون که ما این فیلم را برای جشنواره نساخته‌ایم. اگر مردم این فیلم را دیدند و در خارج از کشور بازتابی داشت و موجی ایجاد کرد و مسیحیها را به فکر انداخت که



**در کشور ما هیچ مستندی درباره اقتصاد اسلامی ساخته نشده است تا رسیده به جایی که بانکها بیست و چند درصد بهره می‌دهند. یعنی چهار برابر «سیتی بانک» نیویورک. یکی از شاهکارهای سیستم بانکداری ما این است که بیشترین بهره را در جهان می‌دهد و برای آن هزار توجیه درست کرده است**

کار مستند جدی خوب. چند نفر را سراغ دارید مثل اسلام‌لو که به غرب برود و گزارشی برای امت مسلمان بیاورد، برای مردم ایران، نداریم. این آدمها زیاد نیستند. ولی آن قدر کم‌عنايت‌اند که ساعت دو بعد از ظهر پخش می‌شود و هیچ کس آن را نمی‌بیند. به سازنده می‌گویند یا این ساعت پخش می‌کنیم، یا اصلاً پخش نمی‌کنیم.

**ما هم ندیدیم. کار آقای اسلام‌لو درباره چه موضوعی هست؟**

در این مجموعه با سرباز آمریکایی فراری در تورنتو مصاحبه کرده و درباره وضع سربازهای آمریکایی در عراق یا او صحبت می‌کند. سربازی که از جنگ فرار کرده و به کانادا پناهنده شده و در خیابان زندگی می‌کند. حتی به هتل هم نمی‌تواند برود، چون سرباز فراری است. با او مصاحبه کرده و این کار با چنین موضوعی در بدترین ساعت پخش می‌شود. شما بگویید ایراد کار از کجاست؟ از مستندساز؟

در همه حوزه‌ها این اتفاق می‌افتد. چند وقت پیش فیلم «کنستانتین» از تلویزیون پخش شد. دوباره نسخه اصلی فیلم را دیدم. موضوع فیلم شیطان است، عالم دخان و جن‌گیری و... از برکتهای حضرت رسول (ص) این بود که دیوزدگی و جن‌زدگی و... را از روی زمین برداشت. از معجزه‌های بزرگ مسیح هم رفع دیوزدگی بین مردم بود و در زمان پیامبر ما

وسعت دید مدیریت در تلویزیون طوری نیست که این ماجرا شکل بگیرد. بیشتر همین است. خیلی از سوزها باید سفارش داده شود و از جفتی هم وقتی کسی مدیر می‌شود، آن قدر سنگین است که نمی‌تواند و فشار کار قابل بیشتر از این است که بگذارد سیاست‌گذاری درستی انجام شود. مگر اینکه یک مدیر شگفت‌انگیزی باشد که بتواند خودش و استقلال فکری‌اش را حفظ کند. این به مدیریت باز می‌گردد. خیلی از مدیران ما تجربه رسانه‌ای کاملی ندارند. بعضیها خوب‌اند، آدمهای فرهنگی و باسوادی هستند و ادبیات می‌دانند، ولی این رسانه جهانی را خوب نمی‌شناسند و نمی‌دانند در جهان چه اتفاقی می‌افتد. اغلب اصلاً ماهواره نگاه نمی‌کنند و آن را چیزی می‌دانند که «نباید نگاه کرد» و مثلاً اگر کسی ماهواره نگاه کند، تخلف شرعی انجام داده است و با آن کاری ندارند که بفهمند در دنیا چه خبر است. این ضعف بزرگی است که نگاهشان مبتنی بر رسانه جهانی نیست. بعضی از اینها هم جاهای کلیدی را گرفته‌اند و حداکثر به درد یک اداره آموزش و پرورش می‌خورند. یک مدت در چنین جایی می‌مانند و بعد می‌خواهند یک جای سیاسی را بگیرند و مدیریت رسانه برایشان یک پله است. در مجموع به تلویزیون الان، انتقاد شدیدی دارم.

**در چه حوزه‌هایی؟**

خیلی چیزها. نمی‌دانم در ماه مبارک رمضان چقدر تلویزیون نگاه کردید. یکی از سریالهایی که در این ماه پخش شد، کاملاً تحت تأثیر سریالهای غربی درباره عالم دخان و شیطان و... بود. خیلی مضحک است که از آن تعریف و تمجید هم می‌کنند. هیچ کس مقابل پخش این سریال نایستاده، در حالی که بالاخره باید کاری کرد. از اینجا بگیرید تا جاهای دیگر. بهترین مستندهای ما در ساعت‌هایی پخش می‌شوند که کسی تلویزیون نگاه نمی‌کند. آقای محمدرضا اسلام‌لو در کانادا کار مستند خوبی ساخته بود. اما تلویزیون آن را ساعت ۲ بعد از ظهر ماه رمضان پخش می‌کرد. از آن طرف تمام ساعت‌های سر شب را به کارهایی اختصاص می‌دادند که ۸۰ درصد آنها ارزش دیدن ندارد. یعنی کسی که می‌بیند، ضرر می‌کند.

در انتخاب زمان پخش، کنداکتور را طوری می‌بندند که یک فیلم اصلاً دیده نمی‌شود. یک

دوباره قرآن را بخوانند و بعد توانستم نگاهی را در دنیا تغییر دهم، آن وقت فیلم خوبی ساخته‌ام و فیلم بعدی را هم خواهم ساخت. اما اگر این کار را نکردم، برمی‌گردم و گزارش تلویزیونی تهیه می‌کنم.

**در حوزه مستند در کشور چه خبر است؟ مستندهای مختلفی ساخته می‌شود و بعضی از آنها انصافاً خوب و دیدنی است. اما این به خود مستندساز مربوط است و روالی وجود ندارد که جریانی هر سال ده فیلم مستند خوب بسازد و در حال تربیت ده مستندساز خوب و حرفه‌ای باشد. یک جریان مستندسازی درست و درمان وجود ندارد. این ماجرا باید از کجا سامان پیدا کند؟**

**تلویزیون ما پولهایش را خرج ساخت چیزی مثل «اینجا آفریقاست» می‌کند و هزینه عجیب چند برابر به سازنده آن می‌دهد، اما، یک جریان مستندسازی راه نمی‌اندازد. چرا؟**

اینکه درباره آفریقا فیلم بسازند، پیشنهاد خودم بوده، ولی نه این فیلمی که گفتید. در جلسه‌ای با حضور مدیران تلویزیون، به شبکه یک پیشنهاد کردم درباره آفریقا فیلم بسازد. گفتم درباره مظلوم‌ترین قاره مستضعین هیچ فیلمی ساخته نشده و خوب است که ساخته شود. چند ماه بعد دیدم این فیلم ساخته شده و... منظورم فیلمی درباره تأثیر اسلام در کشورهای آفریقایی بود. ضعف و قوت‌های این کشورها و وضعیت امروز اسلام، توسط فیلم‌سازی که درباره اسلام فیلم ساخته و حالا وارد آفریقا شود. این مهم بود. اما فیلمی درست کردند که به درد ایران می‌خورد، نه به درد آفریقا و نه به درد اروپا.

**انگار عده‌ای سفری رفته‌اند و دور هم بوده‌اند و حالا فیلم هم گرفته‌اند!**

بله. خیلی با این فیلم مخالفم. ولی پیشنهاد موضوعش از خود ما بود.

**حالا چرا یک جریان سامان‌دار فیلم‌سازی مستند در کشور وجود ندارد؟ حالا نه در حد مستندهای آوینی، ولی چیزی که حاصلش در مجموع «مستند انقلاب اسلامی» باشد.**

اینکه مستندسازی در ایران سر و سامان ندارد، بحث خیلی مهمی است. در خیلی از مواقع، مسئولیت این کارها با مدیریت تلویزیون است. عمق نگاه و

اصل قصه از بین رفت. اما در عالم مسیحیت کم و بیش به این موضوع می‌پردازند. همیشه هم آن را از یک طرف به مسیح ربط می‌دهند و این فیلم را شبکه چهار تلویزیون ایران پخش می‌کند برای چه؟ چه کسی گفته چنین فیلمی پخش شود؟ این خیلی بدتر از اشتباهی است که سه سال پیش همین شبکه ۴ شاینینگ را پخش کرد. شاینینگ برای ما چه چیزی دارد که پخش می‌کنید؟

می‌خواهم بگویم تلویزیون را دست کودکان ندهیم. به کودکان بگویم که برنامه کودک درست کنند و وقت بزرگ‌ترها را نگیرند. وقتی مسئولین سازمان از مزخرفی مثل این دفاع می‌کنند، «شبهای برره» به چنین کاری شرف دارد. شبهای برره را تأیید نمی‌کنم، ولی شرف دارد و حداقل با حقیقت و اعتقاد مردم ور نمی‌رود.

پخش «کنستانتین» است که «او یک فرشته بود» را می‌سازد و اصلاً چرا چنین فیلمی را به مخاطب عام نشان می‌دهید، مردم ما به اندازه کافی گرفتار هستند، به نظرم گنج قارون را پخش می‌کردند، خیلی شأن و شرف داشت. یا مثلاً همین «ارباب حلقه‌ها» هم که همه قسمت‌هایش از تلویزیون پخش شد، بخش عظیم ماجرایش به عالم دخان و شیطانها مربوط است. یک نظری هم در این باره دارم که چرا فیلمهای مربوط به سحر و جادو زیاد شده است. خوب است بدانید بعضی از معروف‌ترین کشیشها در آمریکا یک CD درست کرده‌اند که در آمریکا بین خانواده‌ها پخش می‌کنند که اگر بچه‌ها پتان می‌خواهند «هری پاتر» را ببینند، لازم است این توضیح را درباره این فیلم که موضوع آن سحر و جادو است، به بچه‌ها بدهید که از دیدن فیلم کمتر صدمه ببینند. چون سحر و جادو خلاف دستور خداست این کار را چه کسی می‌کند؟ یک کشیش مسیحی.

ولی ما در بهترین ساعت‌های پخش تلویزیون اینها را نشان می‌دهیم و فیلمی پخش می‌کنیم که سحر و جادوی آن صد برابر بیشتر از «هری پاتر» است و اصلاً خود شیطان در آن مجسم می‌شود و سریالی درست می‌کنیم که با تمام روایت و احادیث مغایر است. آخر کجا دیده‌اید که شیطان مجسم شود، آتش بگیرد، از دیوار رد شود... هیچ‌جا چنین چیزی نداریم. اگر می‌خواهیم از این کارها بکنیم، خب «سفر به شرق» هرمان هسه را بسازیم یا مکاشفات عارفان را بسازیم. چرا از غربیها و از آگنوسیت تقلید دست هفتم می‌کنیم؟ چرا امثال فیلم «کنستانتین» از تلویزیون ما پخش می‌شود؟

الان ۲۰ درصد کارهای دسته الف هالیوود معطوف به موضوع سحر و جادو است. علت این ماجرا هم روشن است. وقتی در دوران آخرالزمان وارد می‌شویم، حکومت خداوند برپا می‌شود و امتی از امت خداوند تأسیس شده و جان گرفته که واقف و عارف است و شهادت می‌دهد. قطعا شیطان به دست و پا می‌افتد و شروع به تقلا می‌کند. یکی از عملیات شیطان بروز و ظهور در دنیا است. کجا بروز می‌کند؟ در رسانه. چون

جای بروز دیگری ندارد. پس در دستگاه قصه‌گویی و رویاپردازی هالیوود وارد می‌شود. این به خاطر بروز حکومت خداست. وضعی که امروز در جهان هست، حتی در زمان امام علی (ع) و سایر ائمه نبود. یک وضع استثنایی در دنیا پیش آمده است. هیچ وقت این طور نبود که مسلمانها لشکر میلیونی داشته باشند.

این موج حضور حکومتی بر مینای حکومت خداوند و تلاش برای آن، چیز ساده‌ای نیست. ممکن است ما هزار مشکل داشته باشیم، ولی امت اسلامی تأسیس شده و حضور امت تأثیراتی در عالم دارد و شیطانها و ضد امواجی برای آن می‌سازند. در همین جهان اسلام ببینید به چه تکاپویی افتاده‌اند. در عرصه رسانه، از سال ۱۹۸۰ هر چه به این طرف می‌آید، موضوع جادو و سحر بیشتر می‌شود. زمانی باید بدانید اتفاقی جدی در دنیا افتاده که کارهای پایولار در این موضوع ساخته می‌شود. مثل «هری پاتر» که دیگر همه آن را دیده‌اند و امروز کشیشها بیانیه داده‌اند و CD تولید کرده‌اند با عنوان «راهنمایی برای چگونه دیدن هری پاتر» تنها سه عنوان CD را «جان هگی» پخش کرده است. او را تأیید نمی‌کنم، ولی این اتفاق افتاده و خانواده‌های مسیحی آمریکایی اجازه نمی‌دهند بچه‌هایشان فیلمی مثل کنستانتین را ببینند و دیدن این فیلم و مثل آن برای ۶۵ میلیون آمریکایی که به تربیت بچه‌هایشان اهمیت می‌دهند، ممنوع است. حالا چرا در جمهوری اسلامی این فیلم را پخش می‌کنید؟ فیلم «Pg» OTHERS»، «Parents guide»))، ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه آن را پخش می‌کنند و چند بار هم تکرار می‌شود. برای چه این فیلم پخش می‌شود؟

... که معاد و اعتقاد به آخرت و... را از ریشه می‌زنند...

بله، همه چیز را. این نشان می‌دهد که یک اتفاق عجیب در ایران در حال وقوع است. مطمئنم اگر سید مرتضی آوینی زنده بود، یک شمشیر اساسی می‌کشید و خیلی از آدمهایی را که ظاهر اسلامی دارند، می‌نواخت. بعضی از اینها را می‌شناسم و آدمهای خوبی هم هستند. ولی به نظرم رسانه را نمی‌شناسند، دنیا را درست ندیده‌اند و غرب را نمی‌فهمند، زبان نمی‌دانند و نسبتی با فرهنگ غرب ندارند.

عقاد توانست فیلم «الرساله» را بسازد، چون هر دو فرهنگ را خوب می‌شناخت. شاید بر فرهنگ آمریکا هم کاملاً مسلط نبود، ولی آن قدر می‌دانست که باید در جهان چه کند.

اما گافهایی که ما می‌دهیم و پخش فیلمهایی مثل «کنستانتین» یک جرم است، همین طور OTHERS و شاینینگ و کسانی که اجازه این کار را داده‌اند، باید مواخذه شوند. ولی فکر نمی‌کنم خیلی از کسانی که کار دستشان است، حساس باشند و به همین دلیل هم این فیلمها پخش می‌شوند. درک اینکه ما در دنیای امروز کجاییم، فهمی می‌خواهد. علت اینکه مستندسازی سامان‌داری نداریم و جریان ساخت سریال در تلویزیون به هدف نمی‌زند، به این خاطر است که حساس نیستیم و تعصبی به خرج نمی‌دهیم. حتی در این حد که جلوی این کارها را بگیریم، در این حد هم نیستیم.

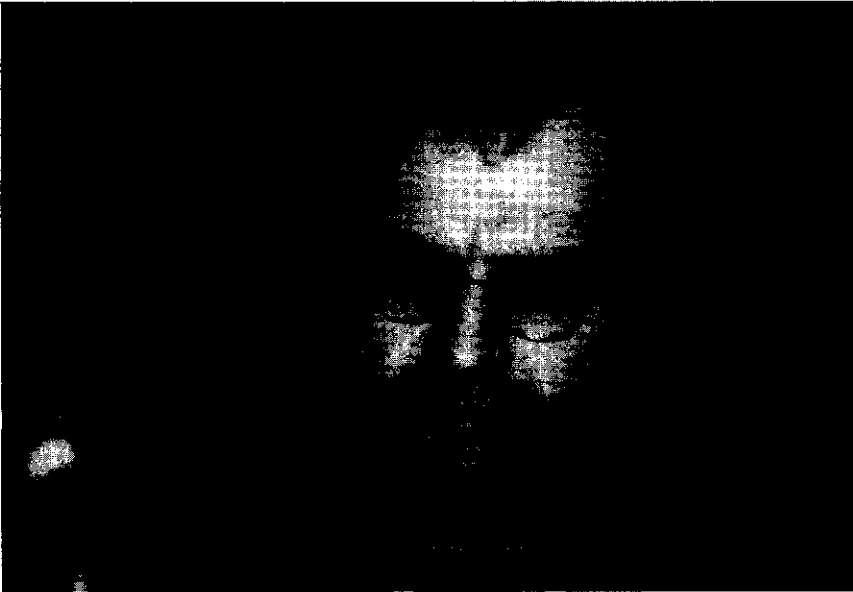
نگاه قادر و مصممی در تلویزیون وجود ندارد و گاهی اشتباه‌هایشان را توجیه هم می‌کنند و می‌گویند نه فقط اشتباه نکرده‌ایم، بلکه اصلاً درستش همین بوده و از اول می‌خواستیم همین کار را کنیم. انگار بازی روکم کنی است. می‌گویند برای این موضوع ۵ تا ۱۰ میلیون نازل شده و ۲۵ حدیث هم داریم که فلان سریال را باید می‌ساختیم. یا این توجیه‌ها، واقعا شبهای ماه مبارک رمضان را ظلمانی کردند، یا سریالی مثل «او یک فرشته بود»، و معتقدم صدای این کار بعد درمی‌آید.

اصلاً شنیده‌اید یا دیده‌اید یک روحانی با یک تسبیح جلوی شیطان بایستد. فکر می‌کنند همه مردم کورند؟ هیچ کس «آگورسیست» را ندیده؟ بعد هم برای تأیید موضع و محکم کاری و اینکه نشان بدهند ما در همین مسیر جلو می‌رویم و کسی هم حرف نزند، «کنستانتین» را پخش می‌کنند.

برای چه این کار را می‌کنند. فیلم «کنستانتین» را که دیدم، خیلی خجالت کشیدم که تلویزیون با این کارها مردم را آزار می‌دهد. این فیلمها سیطره وهم را نشر می‌دهد. به جای اینکه حقیقت را نشر بدهد، اگر نمونه‌ای ندارید که حقیقت را نشر بدهید، لاقلاً با کارهای کم‌خطرتر به این موضوع بپردازید. در جهان امروز حداقل بخشی از کار و رسانه‌ها درباره دخان و شیطان و... است. نمی‌توانیم روی این بخش مانور ندهیم؟ یک دستورالعمل ساده است که روی این موضوع خطرناک مانور ندهیم، چیزهایی مثل ارباب حلقه‌ها، هری پاتر، کنستانتین و...

همه مشکل از مدیران تلویزیون است؟ اگر مدیر عاقل صاحب‌فکری خواست در همین موضوعهایی که می‌گویید، فیلم مستند سفارش بدهد، این قدر مستندساز خوب

چرا باید در جمهوری اسلامی یک نفر فقیر داشته باشیم. ما کشور ثروتمندی هستیم، خیلی پول داریم. چرا چیزی از این پول به اینها نرسیده است؟ چرا ۳۳ هزار فرد میلیاردی در ایران داریم؟ پولهای اینها با چه مالیاتی کنترل می‌شود؟ اینها چه کسانی هستند؟ چرا ما نتوانستیم طبقه متوسط و میانه جامعه را توسعه بدهیم و تعداد فقیر را به حداقل برسانیم؟ به نظر می‌آید تلویزیون در این زمینه وظیفه مهمی دارد.



### داریم؟

از اینکه استعداد کم نداریم، اطمینان دارم. البته در بخش کارهای بین‌المللی باید نیرو تربیت کنیم. یعنی همه باید زبان بدانند یا از کسی که می‌داند کمک بگیرند و... ولی مطمئنم نیرویش را داریم و اگر سفارش این کارها را بدهیم، مستند خوب می‌سازند. مثلاً ما دربارهٔ کشوری که بیشترین دشمنی را با ما کرده، هیچ مستندی نساخته‌ایم. حتی اقدامی هم برای ساخت مستند در این باره نکرده‌ایم. برای چه؟ عدم سیاست‌گذاری درست. اصلاً در این باره تعصبی نداریم.

در کشور ما درباره اقتصاد اسلامی هیچ مستندی ساخته نشده است. تا رسیده به جایی که بانکها بیست و چند درصد بهره می‌دهند، یعنی چهار برابر «سیتی بانک» نیویورک، یکی از شاهکارهای سیستم بانکداری اسلامی ما این است که بیشترین بهره را در جهان ما می‌دهیم.

### و می‌گیریم البته...

بله، و می‌گیریم و برای آن هزار توجیه درست کرده‌ایم. هیچ مدیری تا به حال نگفته یک مستند درباره اقتصاد اسلامی بسازید. یا درباره توفیقهایی که در جهان اسلام در عرصه اقتصاد اسلامی و در رقابت با جمهوری اسلامی به دست آمده، گزارش بدهید که مثلاً در جهان امروز چند بانک اسلامی داریم؟ بانکهایی که کمتر از نیم درصد سود بانکی می‌گیرند. یا یک کار تحقیقاتی کنید درباره بانکهای اسلامی کشورهای اسلامی که موفق‌اند؛ مثلاً، در مالزی چه اتفاقی در بانکهای اسلامی افتاده است؟ اصلاً انگار نه انگار، برای هیچ کس مهم نیست که مبنای توفیقهایی دولتهای اسلامی را پیدا کند چرا نباید در کشور ما یک نظام بانکی سالم باشد که هر جوانی بتواند از آن وام بگیرد، مثلاً وام ازدواج طوری باشد که ربا در آن نباشد و بنیان زندگی او را به باد ندهد. می‌شود از این موفقیتها در کشورهای اسلامی گزارش تهیه کرد. اما طوری برخورد می‌شود که گویا چنین چیزی در دنیا موجود نیست.

به این علت است که می‌گویم بیشتر مدیران تلویزیون خواباند. ممکن است این حرف کمی مضحک باشد، ولی اعتقاد دارم یک روز خیلی از یقه‌ها گرفته خواهد شد. آن دنیا جای سختی برای ما خواهد بود. ما بیست و چند سال فرصت داشته‌ایم که مستندهای قوی و خوب درباره وضع اقتصادی کشور بسازیم و در جهت معرفی بانک اسلامی و نقد اقتصاد کشور به دولت جمهوری اسلامی کمک کنیم. این کار اصلاً انجام نشده است.

از مدیران بزرگ‌ترین رسانه کشور می‌پرسم که چطور تا به حال به این فکر نیفتاده‌اند که بخواهند اقتصاد کشور به دولت جمهوری اسلامی در جهت راه با کمک رسانه اصلاح یا تقویت کنند. مدیران بانک یا شورای نظارت بر بانکها، اعضای دولت یا نمایندگان مجلس نمی‌توانند سفری را که یک فیلمساز مستند می‌تواند مثلاً به مالزی، قطر، عربستان یا پاکستان و دقت او را در این سفر، داشته باشند. وظیفه مستندساز است. مدیر سازمان، مدیر شبکه یا... هیچ یک نیامده‌اند چنین کاری را سفارش دهند که نشان بدهیم «شده»، در مالزی هم بانکهای غربی، بانکهای نیویورک مثل «سیتی بانک»، «جیس منهن» و... و هم بانکهای اسلامی. اما ۵۵ درصد از مردم مالزی پولهایشان را در بانکهای اسلامی می‌گذارند، اگرچه کاملاً آزادند پولشان را به بانکهای آمریکایی بسپارند. اکثر پول مردم در بانکهای اسلامی است و هر روز بیشتر می‌شود و بانکهای غربی در مالزی ضعیف می‌شوند. چرا؟ این تحقیق باید انجام شود. مدیران ما نگاه جهانی ندارند متوجه اوضاع نیستند و اصلاً موقعیت ایران و انقلاب اسلامی را در جهان نمی‌دانند. شعار خیلی چیز خوبی است، ولی، خب سواد از آن هم بهتر است. شعار، باید با سواد پشتیبانی شود. آخر ببینید در دنیا چه خبر است. ما هر جا کم بیاوریم و کوتاه بیاوریم، مسئولیت بزرگی در تاریخ داریم. الان بعد از این همه سال اگر در جمهوری اسلامی فقر داشته باشیم، مسئولیت بزرگی داریم. حتی اصلاً کاری به بانکها ندارم که ربا می‌گیرند

می‌گویم چرا باید در جمهوری اسلامی یک نفر فقیر داشته باشیم. ما کشور ثروتمندی هستیم، خیلی پول داریم. چرا چیزی از این پول به اینها نرسیده است؟ چرا ۳۳ هزار فرد میلیاردی در ایران داریم؟ پولهای اینها با چه مالیاتی کنترل می‌شود؟ چه کسی اینها را کنترل می‌کند؟ اینها چه کسانی هستند؟ چرا ما نتوانستیم طبقه متوسط و میانه جامعه را توسعه بدهیم و تعداد فقیر را به حداقل برسانیم؟ به نظر می‌آید تلویزیون در این زمینه وظیفه مهمی دارد.

تا چند سال پیش تلویزیون برنامه زنده به معنای واقعی نداشت. خود پیشنهاد این برنامه‌ها را دادم. از طریق یکی از دوستان و گفتم گفت‌وگوهای زنده تلویزیونی بگذاریم. در زمان آقای مفید در شبکه ۵ این برنامه‌ها شروع شدند. با برنامه‌ای به اسم «شباهنگام»، برای اصلاح تلویزیون که بحثهای جدی با مسئولان و افراد تراز اول که سیاست‌گذارند و مردم انجام شود اما این اتفاق نیفتاد. الان تبدیل شده به گپ و گفت یک سری جوان نیمچه سواد و مهمانهایی که از شب تا صبح وقت آدم را می‌گیرند. منظور ما اصلاً این نبود این را به عنوان کسی که پیشنهاد برنامه زنده را ارائه کرده، می‌گویم. منظور این بود که مردم دردشان را با مسئول و وزیر و وکیل و مشاور و... مطرح کنند. مثل کاری که در همه دنیا اتفاق می‌افتد و سالهای سال است. من چیزی اختراع نکرده بودم. گفتم بیایید دور و برتان را نگاه کنید تا آن روز کسی توجه نکرده بود که این همه کانالهای تلویزیونی دنیا برنامه‌های زنده دارند و دائم مسائل روز را دنبال می‌کنند و به اصلاح آموزشان می‌پردازند.

اصلاح‌گری و رفرمیسم، این است. ببینید چقدر عقیم که بعد از این همه سال باید یکی پیشنهاد کند که برنامه زنده داشته باشیم و بتدریج برنامه را در شبکه اصلی سراسری بگذاریم، در شبکه محدود استانی این کار را می‌کنیم. آن ماجرا هم به جایی رسیده که اگرچه قدری از قبل بهتر شده، ولی منظور من بحثهای تند و جدی بود، نه حرفهای تعارفی و..